

خداشناسی

فصل اول

در کتاب پیام‌های آسمان سال هفتم و هشتم درباره برخی از صفات خداوند مطالبی را آموختیم. در این کتاب با دو موضوع مهم دیگر درباره خداشناسی آشنا می‌شویم:

درس اول (تو را چگونه بشناسم): در سال‌های گذشته با برخی از صفات خداوند آشنا شدیم؛ اینکه خدای مهربان مراقب ما و شاهد اعمال ماست؛ یاری‌رسان، عالم، قادر، غفار و پرده‌پوش است. حتماً شما دوست دارید خداوند را بیشتر از این‌ها بشناسید. ما در این درس دو راه مطمئن به شما نشان می‌دهیم تا به کمک آنها بتوانید با صفات بیشتری از خالق هستی آشنا شوید. این دو راه عبارت‌اند از: ۱- تفکر در کتاب آسمانی خداوند؛ یعنی قرآن ۲- تفکر در جهان آفرینش.

درس دوم (در پناه ایمان): با توجه به اینکه تاکنون درس‌های زیادی درباره خداوند خوانده‌ایم، حال باید بدانیم چگونه می‌توانیم با تمام وجود به خدایی که شناختیم، ایمان آوریم و بر ایمان خود بیفزاییم. همچنین می‌آموزیم که ایمان داشتن به خداوند چه ثمرات ارزشمندی در زندگی ما دارد.



درس اول

تورا چگونه بشناسم؟

نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
تو نمایندهٔ فضل، تو سزاوار ثنایی
بری از بیم و امید، بری از عیب و خطایی
نتوان شبهه تو جستن، که تو در وهم نیایی
نه بجنبی نه بگردی، نه بگاهی نه فزایی
همه نوری و سروری، همه جودی و سخایی^۱

ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
بری از رنج و گدازی، بری از درد و نیازی
نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی
بند این خلق و تو بودی، نبود خلق و تو باشی
همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

فعالیت کلاسی

۱- صفتهایی را که در این شعر به خدا نسبت داده شده است، بیان کنید.

.....
.....

۲- چه صفات دیگری از خدا می‌شناسید، که در این شعر به آن اشاره نشده است؟

۱- سنایی، شاعر قرن پنجم و ششم قمری.

راه‌های شناخت صفات خداوند

یکی از موضوعاتی که همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، یافتن راهی برای شناخت هرچه بهتر خالق و آفریدگار هستی است. بشر همواره به دنبال یافتن پاسخ این پرسش بوده است که خدایی که او و هستی را خلق کرده، و قرار است روزی به سوی او بازگردد، چگونه خدایی است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا او به همه چیز عالم است؟ او قادر به انجام دادن چه کارهایی است؟ او با بندگان خود چگونه رفتار می‌کند؟

یافتن پاسخ این پرسش‌ها، نیازمند دستیابی انسان به منبعی است که اطلاعاتی دقیق و حقیقی در اختیار او بگذارد تا با تکیه بر آن بتواند به شناختی صحیح و به دور از اشتباه و خطا دربارهٔ خداوند، دست یابد. البته ما انسان‌ها به دلیل توانایی‌های محدود خود، امکان شناخت کامل خدای نامحدود را نداریم؛ به همین دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ^۱

آن چنان که شایستهٔ معرفت توست، تو را نشناختیم.

ما به قدر توان و درک خود، می‌توانیم به شناختی محدود از خداوند، دست یابیم؛ در این درس با دو راه که به ما در شناخت هرچه بیشتر خداوند کمک می‌کند، آشنا می‌شویم:

۱- تفکر در کتاب آسمانی

بهترین راه برای شناخت صفات خداوند، مراجعه به سخن خود اوست. توصیف خداوند از خود، توصیفی دقیق و بی‌نقص است که می‌تواند ما را در شناخت صحیح او، یاری دهد. با مراجعه به قرآن که سخن خداوند است، با آیات زیادی روبه‌رو می‌شویم که هر کدام به بیان بخشی از ویژگی‌ها و صفات خداوند می‌پردازد؛ قرآن کریم به ما می‌آموزد:

خداوند بر همه چیز آگاه است؛ او از آنچه در قلب ما می‌گذرد^۲، از آنچه چشم‌های ما می‌بیند^۳، و آنچه در گوش دیگران نجوا می‌کنیم، آگاه است^۴؛ او حتی از فرو افتادن برگ درختی در گوشه‌ای از

۳- سورهٔ غافر، آیهٔ ۱۹.

۲- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۱.

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۳.

۴- سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۸.

جهان نیز باخبر است!؛ خلاصه اینکه هیچ چیز آشکار یا پنهانی نیست مگر آنکه خدا به آن علم دارد :

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى^۲
او هر آشکار و نهانی را می داند.

خداوند مهربان است و مهربانی او همه چیز و همه کس را در بر گرفته است^۳. او آن قدر مهربان است که مهرورزی بر بندگان را بر خود واجب کرده^۴ و خود را دوستدار آنان نامیده است :

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ^۵
او بسیار آمرزنده و دوستدار بندگان است.*

با وجود این، او مجازات کننده نیز است و کسانی را که به مبارزه با حق برمی خیزند و از گناه و سرکشی دست بر نمی دارند، از رحمت خویش محروم و به عذابی دردناک گرفتار می کند :

وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۶
و هر که با خدا دشمنی کند بداند که خداوند به سختی عقوبت می کند.

او به بندگان ظلم نمی کند؛ بلکه انسان ها با گناهان و خطاهایشان به خود ظلم می کنند و خود را در مسیر گرفتاری و هلاکت قرار می دهند :

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^۷
خداوند به مردم هیچ ستمی نمی کند بلکه این مردمند که به خود ستم می کنند.

۳-سوره اعراف، آیه ۱۵۶.

۲-سوره اعلی، آیه ۷.

۱-سوره انعام، آیه ۵۹.

۶-سوره حشر، آیه ۴.

۵-سوره بروج، آیه ۱۴.

۴-سوره انعام، آیه ۱۲.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

۷-سوره یونس، آیه ۴۴.

البته خداوند کسانی را که از گناه خویش پشیمان شوند و توبه کنند، با آغوش باز می‌پذیرد؛ چرا که او خود را خدای «بسیار توبه‌پذیر» معرفی می‌کند^۲ و توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ^۳ همانا خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد.

خداوند با احکام و قوانینش نمی‌خواهد بر بندگانش سخت بگیرد؛ بلکه برای هدایت انسان و راهنمایی او به سمت سعادت و خوشبختی و جلوگیری از گمراهی او این قوانین را قرار داده است.

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۴

خداوند نمی‌خواهد [با احکامش] شما را در سختی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را [از آلودگی‌ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا شکر او را به‌جای آورید.

و سرانجام اینکه خداوند خود را در قرآن بهترین روزی‌دهنده^۵، بهترین یاری‌کننده^۶ و بهترین سرپرست^۷ معرفی می‌کند.



با همفکری هم‌گروهی‌های خود بگویید چه صفتی از صفات خداوند در قرآن کریم بیشتر تکرار شده است؟ به نظر شما چرا؟

-
- | | | |
|------------------------|------------------------|----------------------------|
| ۱- سوره نساء، آیه ۲۷. | ۲- سوره بقره، آیه ۱۶۰. | ۳- سوره بقره، آیه ۲۲۲. |
| ۴- سوره مائده، آیه ۶. | ۵- سوره جمعه، آیه ۱۱. | ۶- سوره آل عمران، آیه ۱۵۰. |
| ۷- سوره انفال، آیه ۴۰. | | |

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۱ نهج البلاغه در توصیف خداوند می فرماید :

«... خداوند از اندرون لانه‌های تابستانی مورچگان و خانه‌های زمستانی حشرات، از آهنگ اندوهبار زنان غم‌دیده و صدای آهسته قدم‌ها آگاهی دارد. خدای سبحان از جایگاه پرورش میوه در درون پرده‌های شکوفه و از مخفیگاه حیوانات وحشی در دل غارها و کوه‌ها و اعماق دره‌ها، از نهانگاه پشه‌ها بین ساقه‌ها و پوست درختان و از محل پیوستگی برگ‌ها به شاخسارها آگاه است.

خدا از آنچه پرده ابر را به وجود می آورد و به هم می پیوندد و از قطرات بارانی که از ابرهای متراکم می بارد و از آنچه گردبادها از روی زمین بر می دارند و باران‌ها با سیلاب آن را فرو می نشاندند و نابود می کنند، از ریشه گیاهان زمین که میان انبوه شن و ماسه پنهان شده است، از لانه پرندگانی که در قله‌های بلند کوه‌ها جای گرفته‌اند و از نغمه مرغان در آشیانه‌های تاریک، از مرواریدهایی که در دل صدف‌ها پنهان است، و امواج دریاهایی که آنها را در دامن خویش پروراندند، آگاهی دارد. این همه آگاهی هیچ‌گونه زحمت و دشواری برای او ندارد و برای نگهداری این همه مخلوقات رنگارنگ که پدیدآورده است، دچار نگرانی نمی‌شود و در تدبیر امور مخلوقات، سستی و ملالی در او راه نمی‌یابد. . . .

خدایا تو سزاوار زیباترین توصیف‌هایی و درخور آنی که فراوان ستایشت کنند. اگر تو را آرزو کنند بهترین آرزویی و اگر به تو امید بندند بهترین امیدی.»

۲- تفکر در کتاب خلقت

راه دیگر شناختن صفات خداوند، تفکر در کتاب خلقت است؛ یعنی از طریق آثار و نشانه‌های او که در سراسر جهان آفرینش متجلی است، به ویژگی‌های او بی‌بریم؛ همان‌گونه که با دیدن نوشته‌ای علاوه بر بی‌بردن به وجود نویسنده، به میزان علم و دانایی و نوع افکار و اندیشه‌هایش بی‌می‌بریم، یا همان‌گونه که با دیدن ساختمانی، از وجود سازنده و میزان مهارت و توانایی وی باخبر می‌شویم، با تفکر در جهان خلقت نیز می‌توانیم علاوه بر بی‌بردن به وجود خالق بی‌همتا با برخی از ویژگی‌ها و صفات او نیز آشنا شویم.

تنها کافی است به تفکر در عالم بنشینیم؛ آنگاه این جهان را همچون جاده‌ای رهنمون به سوی او خواهیم یافت. زیبایی‌های عالم، جلوه‌ای از زیبایی او، خوبی‌های آن، روایتگر نیکی او و عظمت‌های آن، پرتوی از قدرت و بزرگی اوست. گویی تمام اجزای عالم از او سخن می‌گویند.



برک درختان سبز در نظر هوشار هرورش دفتر می است معرفت کردگار^۱

البته به هر میزان که علم و دانش ما افزایش می یابد، بیشتر از گذشته آثار علم و قدرت خداوند را در جهان درمی یابیم و در برابر این همه عظمت، به شگفتی می آییم؛ آن چنان که عقل و اندیشه دانشمندان نیز در برابر این همه شگفتی، به حیرت می آید.

آلبرت اینشتین^۲، فیزیکدان نامی معاصر، درباره مواجهه انسان با شگفتی های بی پایان طبیعت می گوید: «ما انسان ها همچون طفلی خردسال هستیم که وارد کتابخانه ای بزرگ می شود که همه دیوارهای آن از زمین تا سقف با کتاب هایی به زبان های گوناگون پوشیده شده است. کودک می داند که باید کسی آن کتاب ها را نوشته باشد... کودک طرحی مشخص در ترتیب کتاب ها می بیند؛ نظمی اسرارآمیز که او آن را درک نمی کند؛ ولی می تواند با حسی مبهم حدس بزند. به نظر من وضعیت این کودک همانند وضعیت عقل انسان در برابر خداست...»^۳.

۲- Albert Einstein

۱- سعدی

۳- فیزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری، مهدی گلشنی، صص ۴۶ و ۴۷.

یک پرسش

اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی‌اند و از طریق آنها می‌توان به صفات خالقشان پی برد، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم، به خداوند متعال نسبت دهیم؟ برای مثال، آیا می‌توان خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان دانست؟ هر خوبی و کمالی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند و کسی می‌تواند کمال و خوبی را به دیگری دهد که خود نیز آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمه همه خوبی‌ها و کمالات است. اما صفاتی که از مخلوق بودن و محدود بودن موجودات سرچشمه می‌گیرد، مثل جهل، ظلم، ضعف و جسمانی بودن، که همه نوعی نقص و کاستی است، در خدای متعال نیست؛ زیرا خداوند مخلوق و محدود نیست. به عبارت دیگر با توجه به اینکه خداوند کامل و بی‌نقص است، نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد. به‌عنوان نمونه این‌گونه نیست که خداوند همچون ما اگر در این مکان حضور داشته باشد، از مکان دیگری بی‌خبر باشد؛ یعنی خدا مثل اجسام محدود به یک مکان خاص نیست.



با همفکری اعضای گروه خود، برخی از صفاتی را که ویژه ما مخلوقات است و نمی‌توان آنها را به خدا نسبت داد، بیان کنید.

حمد و تسبیح

شما با ذکرهای زیر به خوبی آشنا باشید؛ زیرا در هر نماز آنها را تکرار می‌کنید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

آیا می‌دانید معنی این ذکرها چیست؟

«حمد» به معنای «ستایش» است. وقتی می‌گوییم «الحمد لله»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. می‌دانیم که همه زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آن اوست.

«تسبیح» به معنای «پاک و منزّه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «سبحان الله»، می‌خواهیم بگوییم «خداوند از هر نقص و عیبی، منزّه است»؛ یعنی آن نقص‌هایی که در سایر موجودات است، در او نیست و او خدایی کامل و بی‌نقص است.

- ۱- راه‌های شناخت صفات خداوند را نام ببرید و درباره هر کدام به اختصار توضیح دهید.
- ۲- حمد و تسبیح خداوند به چه معناست؟

پیشنهاد

- ۱- با مراجعه به آیات ۵۸ تا ۶۵ سوره حج و آیات ۲۵ تا ۳۰ سوره شوری، آیاتی را که در آن به شناخت خدا اشاره شده، یادداشت و آنها را با خطی زیبا بنویسید و در کلاس نصب کنید.
- ۲- از دعاهای بسیار زیبا که به حمد و تسبیح خداوند پرداخته است، دعای جوشن کبیر و دعای روز عرفه است. با مراجعه به آنها برخی از صفات خدا را که در این دعاها ذکر شده است، استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.

الهی

ای خدایی که هرگاه بنده ای به توری آورد، او را جزء مقربان خود می گردانی؛
ای خدایی که هرگاه بنده ای به تو امید بندد، نا امیدش نمی کنی؛
چگونه فراموش کنم تو را، در حالی که تو همیشه بیاد منی؛
و چگونه دل از یاد تو بردارم، در حالی که همیشه در کنار منی؛
خدایا دست خود را به سوی لطف و کرم تو دراز کردم
و دل به موهبت های تو بستم؛
پس مرا برای خود پاک و خالص کن
و ما را از بندگان برگزیده ات قرار ده!



درس دوم

در سناه ایمان

در درس قبل با برخی از صفات خداوند، آشنا شدیم. دانستیم که خالق هستی از تمام اعمال و رفتار ما آگاه است. او خیر و صلاح بندگان خویش را می‌خواهد و... با این حال افرادی را می‌بینیم که با اینکه خدا را به عنوان خالق هستی می‌شناسند؛ اما به دستورات او چندان توجهی نمی‌کنند. اینان با آنکه خداوند را آگاه بر تمام اعمال آشکار و پنهان خود می‌دانند، گاهی در حضور او گناه می‌کنند؛ با آنکه می‌دانند قوانین الهی برای نجات انسان از پلیدی‌ها و سوق دادن او به سوی زندگی سعادت‌مندانه است، باز هم از دستورات او سرپیچی می‌کنند.

همه این موارد نشان می‌دهد که شناخت ما از خالق خویش و رهنمودهای او به تنهایی، اطاعت و عمل به دستوراتش را در پی نخواهد داشت، بلکه در کنار شناخت خداوند نیازمند حقیقت‌دگری هستیم تا سبب انجام دستورات او توسط ما شود.

به نظر شما آن حقیقت چیست؟

گاهی اوقات، انجام دادن کاری را مفید می‌دانیم اما در انجام آن کوتاهی می‌کنیم؛ مثلاً می‌دانیم که چند دقیقه ورزش در روز، سلامت و شادایی می‌آورد؛ اما برای انجام آن برنامه‌ریزی نمی‌کنیم. همچنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، اما از آنها دوری نمی‌کنیم. می‌دانیم رفتارها و کارهای ناشایست پایان خوبی به همراه ندارد؛ اما آنها را ترک نمی‌کنیم.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که تنها شناخت و آگاهی از یک مطلب برای عمل به آن کافی نیست؛ بلکه باید آن شناخت، به مرحله‌ایمان برسد. یعنی به آنچه می‌دانیم، ایمان داشته باشیم. به عبارت دیگر، علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می‌دهد؛ اما داشتن چراغ، به تنهایی انگیزه لازم برای حرکت در آن راه را در انسان ایجاد نمی‌کند. ایمان مشوق و محرک ما برای رفتن به سمت عمل است.



حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست؟

ایمان، اعتماد و باور قلبی کامل به یک موضوع یا حقیقت است. باوری که شوق عمل به آن حقیقت را در انسان ایجاد می‌کند. پس اگر کسی به دانسته‌های خویش ایمان داشته باشد، عمل به آنها نیز به همراه آن خواهد آمد. به همین جهت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ایمان و عمل دو برادر همراه و دو دوست جدایی‌ناپذیرند^۱.

بنابراین شناخت ما از خدا وقتی منجر به عمل به دستورات او خواهد شد که این شناخت به مرحله‌ایمان برسد. اگر ما با تمام وجود به خدا ایمان بیاوریم، عمل به دستورات او نیز به دنبال آن خواهد آمد؛ اما چگونه می‌توانیم ایمان به خدا را در درون خود تقویت کنیم؟

۱- غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۳۶.

از کوزه همان برون تراود که در اوست

به نظر شما اگر کسی ادعا کند که در قلبش به خدا ایمان دارد؛ اما در عمل او یعنی در گفتار و رفتار و حتی نوع پوشش او نشانی از ایمان به خدا مشاهده نشود، ادعای ایمان او واقعی است؟
 اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگامی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون چه چیزی دیده می‌شود؟
 آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها بازند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما، پنجره‌های قلب ما هستند.

اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و رفتار او نمایان می‌شود و اگر قلب کسی به دلیل گناهان تیره و تار شده باشد، تأثیر آن در گفتار و کردار او نیز ظاهر می‌شود؛ به قول معروف: «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام راه‌های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده‌اند. این راه‌ها، ما را از مرحله شناخت خدا به مرحله ایمان واقعی به او می‌رساند و سبب تقویت و محکم شدن ایمان نیز می‌شود. برخی از این راه‌ها عبارت‌اند از:

۱- یاد و ذکر خداوند: حضور خداوند در خاطر ما در همه لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب، سبب افزایش ارتباط ما با خدا و تقویت ایمان به او می‌شود. یکی از حکمت‌های نمازهای پنج‌گانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در تمام طول شبانه‌روز است. همچنین توصیه فراوان به قرائت قرآن در طول شبانه‌روز نیز برای تقویت ایمان در دل است، تا آنجا که خداوند گوش سپردن به آیات قرآن را یکی از عوامل افزایش ایمان برشمرده است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

مؤمنان فقط کسانی هستند

إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

که وقتی یاد خدا شود، دل‌هایشان [از بیم نافرمانی

و کوتاهی در انجام دستورات او] ترسان است

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ

و چون آیات خدا بر آنها تلاوت شود

زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

ایمانشان افزون می‌گردد.

مشغله‌های مداوم، وسوسه‌های شیطان و خواهش‌های نفسانی، آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. برای زدودن غفلت‌های مداوم، تلاوت روزانه قرآن کریم توصیه شده است. داشتن برنامه‌ای روزانه برای خواندن آیات قرآن یکی از کارهای ثابت بزرگان و پیشوایان دین بوده است؛ به گونه‌ای که امام خمینی رحمه الله علیه در طول شبانه‌روز در هشت زمان مختلف به قرائت قرآن می‌پرداختند.

علاوه بر خواندن قرآن، به جا آوردن نماز در پنج زمان، هم حال غفلت را به حال ذکر و یاد خدا مبدل می‌کند و هم گناهان را می‌شوید.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج‌گانه در وقت آن محافظت کند، شیطان بی‌بوسته از او در هراس است».^۱

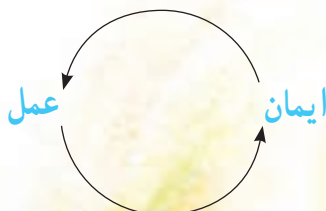
مراجع عالی قدر از جمله رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، علاوه بر اینکه خود بر رعایت این موضوع مراقبت می‌کردند، همواره در رهنمودهای اخلاقی خود بر اقامه نماز اول وقت تأکید داشتند و می‌فرمودند: نمازهای پنج‌گانه را در پنج وقت بخوانید.^۲



۱- رساله نون، ج ۱، ص ۷۶.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸.

۲- انجام کارهای نیک و دوری از گناهان : همان‌طور که ایمان به خداوند، عمل به دستورات او را به دنبال دارد، باید دانست که عمل به دستورات الهی نیز موجب تقویت ایمان می‌شود؛ یعنی میان این دو، رابطهٔ دوسویه است و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. هر عمل نیکی، ایمان ما را قوی می‌کند و هر گناه، چون غباری صفحهٔ دل را می‌پوشاند و به اندازهٔ خود، مانع رسیدن نور ایمان به آن می‌گردد.



امام صادق علیه السلام می‌فرماید :

آنچه ایمان را در دل پایدار می‌کند، دوری از گناهان است.^{۱*}



امام علی علیه السلام می‌فرماید : هم‌نشینی با انسان‌های هوسران، موجب از بین رفتن ایمان می‌شود.^۲
با توجه به این حدیث، بیان کنید دوستی با افراد فاسد چگونه موجب از بین رفتن ایمان می‌شود؟

۱- خصال، ج ۱، ص ۹. * روایت حفظ شود.

۲- نهج البلاغه، خطبهٔ ۸۵.

۳- الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن: یکی از راه‌های تقویت ایمان، مطالعه و تفکر در زندگی انسان‌های مؤمن و سرمشق قرار دادن آنها در مسیر زندگی است. این افراد به دلیل ایمان بالای خود، نمونه‌های مناسبی برای ما هستند تا با پیروی از راه و رسم زندگی آنان و الگو گرفتن از اخلاق و رفتارشان، بتوانیم همچون این افراد، بر ایمان خویش به خداوند بیفزاییم. در قرآن کریم بارها داستان زندگی پیامبران و نیز زنان و مردان مؤمن دیگر برای الگو گرفتن ما بیان شده است. زنان بزرگی چون حضرت مریم سلام الله علیها و آسیه سلام الله علیها و مردانی همچون حضرت محمد ﷺ، حضرت ابراهیم علیه السلام، و....



به ترجمه آیات توجه کنید:

«و خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، همسر فرعون را مثال می‌زند؛ آنگاه که گفت: پروردگارا، نزد خودت برایم خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او و مردم ستمکار نجات بده. همچنین مریم دختر عمران را مثال زده است؛ همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت...»

به نظر شما چه ویژگی‌هایی در حضرت مریم و آسیه وجود داشت که خداوند آنان را به عنوان الگو معرفی می‌کند؟

آثار ایمان

هنگامی که جوانه‌های ایمان در قلب ما پدیدار شود، تحولی شگرف در درون خود احساس خواهیم کرد که گویی، تولدی دوباره یافته‌ایم. آن‌گاه آثار ایمان به خدا را در جای جای زندگی خود مشاهده خواهیم کرد. برخی از این آثار، عبارت‌اند از:

۱- آرامش: از تأثیرات مهم ایمان به خدا، دست یافتن به آرامش روحی است. مهم‌ترین دلیل این آرامش این است که خداوند دل و جان آدمی را به گونه‌ای آفریده که جز با یاد و نام او، آرام نمی‌گیرد. وقتی انسان در این دنیا به هریک از خواسته‌های دنیایی - که سال‌ها آرزویش را داشته است - می‌رسد،

پس از مدتی از آن دلزده می‌شود؛ زیرا هیچ خواسته‌ای نمی‌تواند جای خواسته واقعی قلب را، که همان رسیدن به خداست، بگیرد. از این روست که قرآن می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ
آنها کسانی هستند که ایمان آوردند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد.

آ لَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۱
آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.*

۲- رهایی از سردرگمی و بی‌هدفی: کسی که در زندگی خود، هدف والا و ارزشمندی نداشته باشد، احساس بیهودگی می‌کند؛ زیرا داشتن هدف به زندگی انسان معنا می‌بخشد. هدف زندگی انسان‌های مؤمن، برخاسته از اعتقاد به خداست. آنان معتقدند نه تنها انسان، بلکه آفرینش همه چیز برای رسیدن به هدف مشخصی است و کاری که انسان باید انجام دهد، این است که با کمک گرفتن از فرستادگان الهی، آن هدف را کشف کرده و برای رسیدن به آن بکوشد. این افراد هیچ‌گاه در زندگی احساس پوچی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که خدا از خلق کردن آنان هدفی داشته و در این جهان، به حال خود رها نشده‌اند.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا
آیا گمان کردید که ما شما را بیهوده آفریدیم
وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَتُرْجَعُونَ^۲
و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

کسانی که ایمان به خدا ندارند؛ ناگزیر زندگی را در همین چند روز دنیا خلاصه می‌کنند و آن را بی‌معنا می‌دانند. اینان ناگزیرند خودشان هدفی برای این زندگی بسازند و خود را با آن مشغول کنند. برخی از این افراد تنها هدف زندگی خود را رسیدن به پول و مقام و شهرت، قرار می‌دهند. دسته‌ای دیگر خود را به لذت‌های زودگذر دنیا مشغول می‌سازند و غرق در شهوات می‌گردند. گروهی نیز هدف خود را فخرفروشی به دیگران با ماشین و لباس و مد و... قرار می‌دهند. مشخص است که این کارها به جای اینکه انسان را به مقصد و هدف اصلی خلقت برسانند، از آن دور می‌سازد.

۱- سوره رعد، آیه ۲۸. *آیه با ترجمه حفظ شود.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.



ایه زیر را بخوانید و با توجه به معنای آن یکی دیگر از آثار ایمان به خدا را بیان کنید.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ
و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسک جستند، به زودی
[خدا] آنان را در رحمت و فضل خود وارد خواهد کرد.
و يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا
و آنان را به سوی خود، به راه راست، هدایت می کند.



نشانه‌های انسان مؤمن

بسیاری از ما دوست داریم بدانیم که انسان‌های مؤمن چه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارند تا خودمان را با این ویژگی‌ها بسنجیم و در صورت نداشتن برخی از این صفات و ویژگی‌ها، آنها را در خود ایجاد کنیم.

خداوند در آیات ابتدایی سوره مؤمنون به توصیف ویژگی‌های انسان‌های مؤمن می‌پردازد و آنها را این‌گونه معرفی می‌کند:

- بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند، آنها که؛
- نمازشان را با خشوع و فروتنی در برابر خداوند به‌جا می‌آورند.
- از کارهای لغو و بی‌فایده دوری می‌کنند.
- زکات مالشان را می‌پردازند.
- دامان خود را از آلوده شدن به گناه و بی‌عفتی حفظ می‌کنند، ...
- امانتدارند و به عهد خود وفا می‌کنند.
- بر انجام به موقع نمازشان مراقبت می‌کنند.
- اینان وارث بهشت‌اند و در آن جاودانه خواهند ماند. ...

- ۱- توضیح دهید چرا با اینکه از خوبی برخی کارها آگاهیم؛ اما آن کارها را انجام نمی‌دهیم؟
- ۲- دو مورد از راه‌های تقویت ایمان به خدا را بنویسید.
- ۳- مهم‌ترین دلیلی که باعث می‌شود انسان‌های مؤمن از آرامش روحی برخوردار باشند، چیست؟

الهی

رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا

مُنَادِيًّا يُنَادِي لِلإِيْمَانِ

أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ

فَأَمَنَّا

رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

وَ تَوَقَّنَا مَعَ الْآبِرارِ .

پروردگارا، ما صدای ندا دهنده ای را شنیدیم

که مردم را به ایمان فرا می خواند

که به پروردگارتان ایمان آورید

اینک ما ایمان آوردیم.

پروردگارا، گناهان ما را بیا مرز

و بدی های ما را پوشان

و ما را با نیکوکاران [و در مسیر آمان] بمیران.

راهناشناسی

فصل دوم

خداوند دانا و مهربان در مسیر زندگی، برای هدایت ما راهنمایان فراوانی قرار داده است. تاکنون با برخی از این راهنمایان و ویژگی‌های آنان آشنا شده‌ایم. در این کتاب با موضوعات دیگری در خصوص راهنمایان راه، آشنا می‌شویم:

درس سوم (راهنمایان الهی): در قرآن کریم، خداوند بارها داستان زندگی پیامبران را به‌عنوان نمونه‌هایی از مؤمنان راستین بیان کرده است تا الگویی باشد برای کسانی که قصد گام برداشتن در مسیر ایمان به خدا را دارند. در درس دوم با این نکته آشنا شدیم که یکی از راه‌های افزایش ایمان، الگو گرفتن از کسانی است که در مسیر ایمان به خدا گام برداشته‌اند.

در این درس با برخی از صفات و ویژگی‌های پیامبران به‌عنوان الگوهایی برای افزایش ایمان آشنا می‌شویم. درس چهارم (خورشید پنهان): در این درس به ویژگی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام می‌پردازیم و به سؤالات متعددی که درباره امام زمان و شرایط ظهور ایشان وجود دارد، پاسخ داده می‌شود و در پایان، شرایط منتظر واقعی بیان می‌گردد.

درس پنجم (رهبری در دوران غیبت): وظیفه مردم در دوران غیبت امام زمان علیه السلام را بیان می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که وقتی مردم به امام دسترسی ندارند، در حل مشکلات خود به چه کسی مراجعه کنند و چه کسانی صلاحیت اداره جامعه را دارند. در این درس نقش امام خمینی رحمه الله علیه در بیدارگری مسلمانان در دوران غیبت نیز بیان می‌شود.





درس سوم

راهنمایان الهی

دو ساختمان را فرض کنید که یکی از آنها براساس الگو و نقشه‌ای منسجم و دقیق ساخته می‌شود و دیگری بدون داشتن الگو. به نظر شما این دو ساختمان بعد از تکمیل چه تفاوت‌هایی با هم خواهند داشت؟



ما انسان‌ها از آغاز دوران نوجوانی در حال بنای یک ساختمان هستیم. این ساختمان همان ساختمان شخصیت ماست که با اعتقادات و اخلاق و رفتار ما ساخته می‌شود؛ ساختمانی که گویا با گذشت هر روز از عمرمان و با هر رفتاری که انجام می‌دهیم، آجری به آن اضافه می‌شود و بنایش کامل‌تر می‌شود.

به نظر شما می‌توان انتظار داشت که ساختمان شخصیت انسان، بدون داشتن الگویی مناسب به بهترین شکل ممکن ساخته شود؟

به نظر شما الگوی مناسب برای ساختن شخصیت ما چه کسانی می‌توانند باشند؟

در درس قبل دانستیم که یکی از راه‌های افزایش ایمان به خدا، الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن است. پیامبران نمونه‌ای از این انسان‌ها هستند که در قرآن کریم بارها داستان زندگی و ویژگی‌های آنان بیان شده است. بنابراین اگر کسی می‌خواهد جزو بهترین‌های زمان خود باشد و در مسیر ایمان به خدا گام بردارد، شایسته است پیامبران را در زندگی خود سرمشق قرار دهد و لازمه سرمشق قرار دادن، آشنا شدن با ویژگی‌های آنان است. در این درس با سه ویژگی مهم پیامبران آشنا می‌شویم: تسلیم در برابر امر خداوند، استقامت و پایداری در راه خدا و مبارزه با عقاید باطل و خرافات.

۱- تسلیم در برابر امر خداوند

وقتی کسی می‌خواهد شخصی را برای انجام کاری مأمور کند، معمولاً سعی می‌کند فردی را انتخاب کند که کاملاً مطیع او باشد، و به دستوراتی که می‌دهد، به صورت کامل عمل کند. در این صورت است که انجام کامل و دقیق کار، تضمین می‌شود. وقتی انسان‌ها در امور عادی‌شان این تدبیر را به کار می‌بندند، قطعاً خداوند حکیم در امر بزرگ هدایت انسان‌ها، کسانی را به عنوان پیام‌آور خود انتخاب می‌کند که در برابر دستوراتش مطیع و تسلیم باشند. این ویژگی پیامبران را در قرآن کریم به خوبی می‌توان دید:

□ خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد زن و فرزند کوچک خود را در سرزمین مکه که در آن زمان سرزمینی بدون آب و آبادانی بود و امکانی برای زندگی نداشت، سکونت دهد. حضرت ابراهیم علیه السلام با اطمینان خاطر به دستور خداوند عمل کرد.^۱

□ خداوند به حضرت موسی علیه السلام دستور داد نزد فرعون برود و از او بخواهد بنی اسرائیل را آزاد کند. با اینکه آن حضرت از خشم فرعون و قومش نسبت به خود آگاه بود و احتمال هرگونه خطری را برای خود پیش‌بینی می‌کرد، به این مأموریت عمل کرد و وارد قصر فرعون شد و علاوه بر دعوت او به یکتاپرستی، خواستار آزادی بنی اسرائیل شد.^۲

□ حضرت ایوب علیه السلام که می‌دید تمامی مشکلات و سختی‌هایی که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود، به خواست خداوند و برای امتحان کردن اوست، در برابر تمامی آنها صبر کرد و در برابر خواست خداوند تسلیم شد.^۳

۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۷. ۲- سوره شعراء، آیات ۶۸-۱۰. ۳- سوره انبیاء، آیات ۸۴-۸۳.



به نظر شما، ما به عنوان یک مسلمان چگونه می‌توانیم در گفتار، رفتار و پوشش خود، تسلیم امر خدا باشیم. دربارهٔ این موضوع با هم کلاسی‌هایتان گفتگو کنید.

۲- استقامت و پایداری در راه خدا

مردم پس از دریافت دین خداوند از پیامبران، دو گروه می‌شدند؛ گروهی دعوت پیامبران را می‌پذیرفتند و با عمل به تعالیم آنان، نه تنها خود را از مشکلات متعدد - که به دست خود انسان‌ها به وجود آمده بود - نجات می‌دادند، بلکه رستگاری ابدی را نیز نصیب خود می‌کردند. گروه دیگری به لذت‌های زودگذر دنیا دل خوش می‌کردند و با این تصور که با پذیرش دین، دنیای آنها به خطر می‌افتد، زندگی ابدی خود را نابود می‌کردند؛ غافل از اینکه دین الهی رستگاری دنیا و آخرت را برای انسان با هم به ارمغان می‌آورد^۱.

این گروه با سرکشی در مقابل پیامبران، آنان را دروغگو می‌نامیدند تا مردم پیرو آنان نشوند و اگر در نقشهٔ خود موفق نمی‌شدند، به قتل پیامبران دست می‌زدند. خداوند رفتار این افراد را با پیامبران چنین توصیف می‌کند:

آیا [اینگونه نبود که] هرگاه پیامبری چیزی

را برای شما آورد

که دلخواه شما نبود

سرکشی کردید،

پس گروهی [از پیامبران] را انکار کردید

و گروهی را کشتید؟

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ

بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ

اسْتَكْبَرْتُمْ

فَفَرِّقًا كَدَّبْتُمْ

وَفَرِّقًا تَقْتُلُونَ^۲

۱- خداوند در سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۳۴ می‌فرماید: هر کس نعمت و پاداش دنیا را می‌خواهد، بداند که نعمت و پاداش دنیا و آخرت هر دو

نزد خداست.

۲- سورهٔ بقره، آیهٔ ۸۷.



پیامبران الهی با وجود مشکلات فراوان در راه خدا صبر و استقامت می‌کردند و با تمام توان و قدرت به راه خود ادامه می‌دادند و لحظه‌ای سست نمی‌شدند. تمام پیامبران الهی الگوی استقامت در راه خدا بودند. در این باره باز هم قرآن سیره و روش پیامبران را چنین توصیف کرده است:

□ حضرت نوح علیه السلام مردم زمان خود را نهصد و پنجاه سال به یکتاپرستی دعوت کرد؛ ولی در

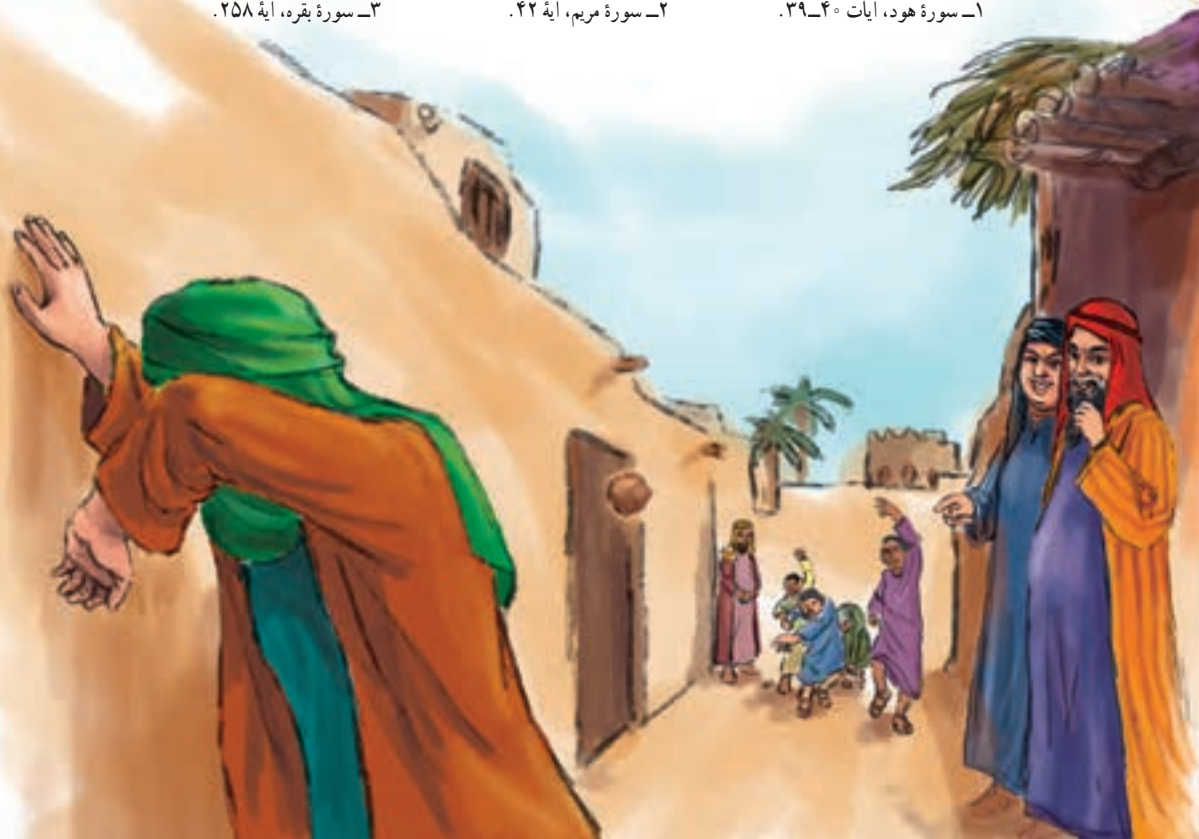
این مدت، تنها تعداد بسیار اندکی ایمان آوردند. آنان بارها نوح علیه السلام را اذیت و آزار می کردند، مسخره می کردند، تهدید به قتل می کردند و... تا اینکه خداوند به آن حضرت دستور ساخت کشتی را داد و خبر داد که دیگر از قوم وی کسی ایمان نخواهد آورد. حضرت نوح علیه السلام به دستور خداوند شروع به ساختن کشتی کرد. در این مدت هرگاه که کافران از کنار او می گذشتند، مسخره اش می کردند و می گفتند چرا در بیابان کشتی می سازی؟ نکند دیوانه شده ای؟! ولی چون نوح علیه السلام به خداوند ایمان داشت و می دانست وعده الهی حق است، استقامت کرد و ساختن کشتی را متوقف نکرد تا اینکه زمان وعده خداوند فرا رسید و آن قدر باران بارید که تمام آن سرزمین به زیر آب رفت و همه کافران غرق شدند.^۱

□ حضرت ابراهیم علیه السلام بارها عموی خود آزر را به یکتاپرستی دعوت می کرد و او را به ترک پرستش بت ها فرامی خواند. آزر هر بار او را با سخنانش می آزرده و از خود دور می کرد؛ اما او دست از دعوت خود بر نمی داشت.^۲ حضرت ابراهیم علیه السلام نه تنها مردم عادی، بلکه نمرود - طاغوت زمانه را که ادعای خدایی می کرد- در کاخش با شجاعت و استدلال های محکم به چالش کشید و به یکتاپرستی دعوت کرد^۳ و از تهدیدهایش نهراسید و در برابر آزار وی از قبیل انداختن در آتش و تبعید از وطن ذره ای دچار تردید نشد، و دست از راهی که در پیش گرفته بود، برنداشت تا اینکه عده ای از مردم به یکتاپرستی روی آوردند.

۳- سورة بقره، آیه ۲۵۸.

۲- سورة مریم، آیه ۴۲.

۱- سورة هود، آیات ۴۰-۳۹.



پایداری فراوان پیامبران، ناشی از این بود که آنان اطمینان داشتند که ایمان و استقامت، کلید دست یافتن به وعده‌های بزرگ الهی است؛ همچنان که خداوند می‌فرماید:

آنان که گفتند: پروردگار ما الله است
سپس [در این راه] پایدار ماندند،
فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند
که ترسید و غمگین مباشید
و به بهشتی که وعده داده می‌شدید، شاد شوید.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ
ثُمَّ اسْتَقَامُوا
تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^۱



به نظر شما در موارد زیر چگونه می‌توانیم در راه خدا استقامت کنیم؟

- ۱- شیطان ما را برای ترک واجباتی همچون نماز و روزه وسوسه می‌کند.
- ۲- کسی ما را دعوت به حضور در برخی مجالس و یا برخی فضاهای مجازی نامناسب می‌کند.
- ۳- شیطان ما را برای ناسزا گفتن به دیگران به هنگام خشم و عصبانیت وسوسه می‌کند.

۳- مبارزه با عقاید باطل و خرافات^۲

مردم دوران پیامبران، برای خداوند شریکانی قرار داده بودند؛ بت‌هایی از سنگ و چوب، فرشتگان و اجرام آسمانی (ستاره، ماه، خورشید و...) از جمله این شریکان بودند.

برخی از مردم زمان حضرت ابراهیم علیه السلام ستاره و خورشید و ماه را می‌پرستیدند و معتقد بودند اینها اثر خوبی در زندگی آنها دارند.

بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام گوساله‌ای را از طلا و جواهرات ساختند و با این تصور که این گوساله منشأ ثروت و برکت است، به دور او طواف می‌کردند.

۱- سوره فصلت، آیه ۳۰.

۲- معنای خرافه: به یک سری باورهای غلط می‌گویند که نه دین آن را تأیید می‌کند و نه از نظر علمی و عقلی ثابت شده است.

مردم در زمان پیامبر اکرم ﷺ در برابر بت‌های ساخته شده از سنگ و چوب سجده می‌کردند و می‌گفتند اینها به ما خیر و برکت می‌دهند.

پیامبران الهی نه تنها خود به این امور اعتقاد نداشتند و آنها را باطل و خرافه می‌دانستند؛ بلکه از طرف خدا مأموریت یافته بودند با هر اعتقادی که ریشه در دستورات خداوند ندارد و نزد خداوند معتبر نیست، مبارزه کنند.



رسولان الهی با آوردن دلایل محکم، مشرکان را به اندیشه ورزی و تفکر دعوت می کردند و از آنها می خواستند که به جای پیروی از خرافات، از دستورات خداوند اطاعت کنند.

حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت عمویش آزر می گوید :

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ هُنْكَامِي كَمَا بِهْ عَمُوِيْ خُودِ كَقْتِ : اِيْ عَمُو!

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ چَرَا چِيْزِيْ مِيْ پَرَسْتِي كَهْ نَهْ مِيْ شَنُود وَ نَهْ مِيْ بِيْنِد،
وَلَا يُعْنِيْ عَنكَ شَيْئًا وَ نَهْ هِيْجْ مَشْكَلِيْ رَا اَزْ تُو حَلْ مِيْ كَنْد!؟

يَا أَبَتِ اِيْ عَمُو!

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ دَانْشِيْ بَرَايْ مَنْ آمَدَهْ كَهْ بَرَايْ تُو نِيَامَدَهْ اسْت

فَاتَّبِعْنِيْ أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا بِنَابَرَايْنِ اَزْ مَنْ پِيْرُوِيْ كَنْ، تَا تُوْرَا بَهْ رَاَهْ رَاسْت

هدایت کنم!



نقالت کلاسی

با کمک اعضای گروه و با توجه به آنچه که در خصوص زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله می دانید، نمونه هایی از ایستادگی آن حضرت در برابر عقاید باطل را بیان کنید.

زمانی که پیامبران الهی با عقاید باطل و خرافی قوم خود مبارزه می کردند، مخالفان که پاسخ قانع کننده ای برای رد نظر پیامبران و دور کردن مردم از آنها نداشتند، از عقیده باطل دیگری استفاده می کردند. آنها به پیامبران می گفتند شما برای ما بدشانسی می آورید! پیامبران نیز در جواب می گفتند: اگر بلایی سر شما می آید نتیجه کارهای خودتان است.^۱

به عنوان مثال وقتی به قوم بنی اسرائیل خیر و منفعتی می رسید، می گفتند این نتیجه زحمات خودمان است؛ ولی وقتی اتفاق بدی برایشان می افتاد؛ می گفتند: موسی برای ما بدشانسی می آورد. خداوند در جواب آنها فرمود: این بلاهایی که بر سر شما می آید، به دلیل اعمال خودتان است و ارتباطی با پیامبر ندارد.^۲

البته عقاید باطل و خرافی منحصر به زمان پیامبران نبوده است. امروزه در برخی کشورها هنوز مردم به پرستش بت ها مشغول اند یا در کشورهای مختلف خرافات روتق فراوان دارد؛ خرافاتی همچون

— عدد ۱۳ نحس است.

۱- سورة مريم، آيات ۴۲ و ۴۳.

۲- سورة يس، آيات ۱۸ و ۱۹.

۳- سورة اعراف، آية ۱۳۱.

– به تخته زدن بدشناسی را از انسان دور می‌کند.

– اگر گربه سیاه سر راه کسی باشد، بدشناسی می‌آورد.

– مهره فیروزه‌ای رنگ، انسان را از خطر و بلا حفظ می‌کند.

و هزاران مورد دیگر که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد.

اعتقاد به این امور موجب شده است برخی از مردم در انجام کارهایشان به کسانی مراجعه کنند که ادعا دارند می‌توانند از اتفاقات خوب و بدی که ممکن است، برای افراد رخ دهد، خبر دهند یا از روی دادن آنها جلوگیری کنند. امروزه این افراد در شکل‌های مختلفی از قبیل فال‌گیر (فال قهوه و...)، کف‌بین (ادعای بیان آینده با نگاه کردن به کف دست)، رمال (ادعای پیشگویی آینده) و... مردم را فریب می‌دهند و موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌های فراوان یا از دست رفتن اموال و آبرویشان می‌شوند.

باید توجه داشت اگر ایمان به خدا در انسان کم‌رنگ شود، میل به خرافات نیز افزایش می‌یابد؛ اما اگر انسان ایمان خود را تقویت کند، به‌خوبی به درک این نکته می‌رسد که کلید حل تمام مشکلاتش در پیروی از خدا و دستورات او نهفته است.





چه خرافه‌هایی در منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، وجود دارد؟
به نظر شما چرا مردم به دنبال این خرافات می‌روند؟

خودت را امتحان کن

- ۱- یک نمونه از تسلیم پیامبران الهی در برابر دستورات خداوند را بیان کنید.
- ۲- چرا پیامبران الهی در راه انجام دستورات خداوند استقامت فراوانی می‌کردند؟
- ۳- سه مورد از ویژگی‌های مهم پیامبران را نام ببرید.

پیشنهاد

- ۱- وقتی بخواهیم از کسی یاد کنیم، معمولاً به لقبی از او اشاره می‌کنیم که بالاترین و بهترین لقب اوست. به این عبارت که ما در تشهد نمازهای خود می‌گوییم، توجه کنید.
...وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
درباره اینکه چرا از پیامبر اکرم ابتدا با لقب عبد و سپس با لقب رسول یاد می‌شود، تحقیق کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.
- ۲- درباره ماجرای مرگ ابراهیم فرزند حضرت محمد ﷺ که در کودکی از دنیا رفت و اتفاقاتی که در آن روز افتاد، تحقیق کنید و ارتباط آن را با ویژگی سوم پیامبران یعنی مبارزه با عقاید باطل و خرافات بیان کنید.

الہی

اگر دوست داری چند جملہ ای با خدای خویش سخن بگو:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

